

## بررسی تأثیر استقرار مدیریت دانش بر عملکرد مالی شرکت خوراک دام و طیور

امیر خزالی

مدرس دانشگاه و دانش آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه پیام نور، واحد کرج، کرج، ایران.

Amir.khazali65@gmail.com

### چکیده

عملکرد مالی شرکت ترکیبی از موفقیت‌های کلی سازمان در نتیجه تلاش‌های صورت گرفته جهت استقرار سیستم مدیریت دانش می‌باشد. لذا هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر استقرار مدیریت دانش بر عملکرد مالی شرکت خوراک دام و طیور بود. جامعه آماری پژوهش کلیه کارکنان شرکت تولید خوراک دام و طیور مهاباد بودند. از میان آنان ۲۴۷ نفر به عنوان نمونه آماری و به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های استاندارد استقرار مدیریت دانش و عملکرد مالی استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد استقرار مدیریت دانش با عملکرد مالی رابطه معنادار و مثبت دارد. همچنین نتایج حاکی از این بود که استقرار مدیریت دانش و مولفه‌های آن (رهبری و مدیریت دانش، فرایندها، فناوری، کارکنان) قابلیت پیش‌بینی عملکرد مالی را دارند بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که هر اندازه شرکت در استقرار مدیریت دانش موفق عمل کند عملکرد مالی آن نیز افزایش می‌یابد.

### کلمات کلیدی

مدیریت دانش، عملکرد مالی، شرکت، طیور.

## **Investigating the impact of establishing knowledge management on the financial performance of animal feed and poultry company**

### **Abstract**

The financial performance of the company is a combination of the overall success of the organization as a result of the efforts made to establish the knowledge management system. Therefore, the aim of the present study was to investigate the effect of establishing knowledge management on the financial performance of livestock and poultry feed companies. The statistical population of the research was all the employees of Mahabad Animal and Poultry Feed Production Company. Among them, 247 people were selected as a statistical sample using available sampling method. To collect data, standard questionnaires were used to establish knowledge management and financial performance. Data analysis showed that the establishment of knowledge management has a significant and positive relationship with financial performance. Also, the results indicated that the establishment of knowledge management and its components (leadership and knowledge management, processes, technology, employees) have the ability to predict financial performance. If it acts slowly, its financial performance will also increase.

### **key words**

Knowledge management, financial performance, company, poultry

## مقدمه

امروزه در فضای رقابتی، کسب و کارها و شرکتها در تلاشند تا با ایجاد مزیت رقابتی پایدار از طریق ارتقای عملکرد سازمانی، رونق یابند و خود را با تغییرات انطباق دهند (ووسی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). بهبود مستمر عملکرد سازمانها، نیروی عظیم هم‌افزایی ایجاد می‌کند که این نیروها می‌تواند پشتیبان برنامه رشد و توسعه و ایجاد فرصت‌های تعالی سازمانی شود. دولت‌ها و سازمانها و مؤسسات تلاش جلوبرنده‌ای را در این مورد اعمال می‌کنند (پورخداداد، ۱۳۹۳). عملکرد سازمانی حاصل یا نتیجه فرآیندهای اجرایی و تحقق اهداف سازمان است. به عبارتی عملکرد سازمانی عبارت است از به نتیجه رساندن وظایفی که از طرف سازمان بر عهده نیروی انسانی گذاشته شده است. عملکرد سازمانی تقریباً شامل تمامی اهداف رقابت پذیری و تعالی تولید است و به هزینه، انعطاف پذیری، سرعت، قابلیت اعتماد یا کیفیت مربوط می‌شود. به علاوه، عملکرد سازمانی را می‌توان به مثابه چتری تعریف کرد که همه مفاهیم مرتبط به موفقیت و فعالیت های کل سازمان را در بر می‌گیرد (آنگرینو، ۲۰۱۶). بیشتر مطالعات گذشته در زمینه ی عملکرد سازمانی بر مبنای عملکرد مالی بوده اند. عوامل مختلفی نیز بر عملکرد مالی شرکتها تأثیرگذار می‌باشند یکی از این عوامل مدیریت دانش است. مدیریت دانش و خصوصاً توزیع دانش بر نوآوری و موفقیت مالی سازمان اثر گذار می‌باشند (وانگ و نئو، ۲۰۱۰).

محیط حاضر دائماً تحت تأثیر تغییرات گسترده ای است. تغییراتی که می‌تواند تمامی ابعاد سازمان ها را تحت تأثیر خود قرار دهد و دارای حوزه های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. نکته مهم این است که سازمانها بدون توجه به این دگرگونی ها نمی‌توانند در شرایط کنونی تاب آورند. در نتیجه نیازمند تغییر در سطح دانش خود نیز هستند. در واقع تغییرات سریع در محیط امروزی باعث شده که سازمان ها دانش خود را متناسب با آن تغییرات به روز و تنظیم کرده، زیرا باید بدین وسیله مزیت رقابتی شان را حفظ نمایند، یکی از این تغییرات گسترده به وجود آمدن مسائل و دگرگونی های اقتصادی در سطح جوامع است که می‌تواند تأثیر گسترده ای بر روی عملکرد سازمان ها داشته باشد (حجازی نیا، ۱۳۹۵). مدیریت دانش به دنبال بهبود عملکرد با اعمال نفوذ بر حال و آینده ارزش دارایی های دانشی سازمان است. ایجاد و به روز رسانی، در دسترس بودن، کیفیت و استفاده از دانش به عنوان اجزاء اساسی در اداره یک سازمان می‌باشند (سوک، ۲۰۱۱). در واقع می‌توان گفت مدیریت دانش به طیفی از اقدامات و فنونی اشاره دارد که به وسیله سازمان جهت شناسایی، ارائه و توزیع دانش، تخصص، سرمایه فکری و دیگر اشکال دانش برای به کارگیری، استفاده مجدد و انتقال دانش و یادگیری در سطح سازمان بکار می‌رود (سارگنت و هامون، ۲۰۱۵). مدیریت دانش، دانش مرتبط با کسب و کار را از دیدگاه بخشیده و نسبت به پالایش و به روز نمودن و در دسترس قرار دادن آن برای تمامی کارکنان موثر است (سوزان و کاسیم؛ ۲۰۱۵). مدیریت اندیشمند بر آن است تا هر چه بیشتر و بهتر، از ابزاری به نام دانش برای رویارویی و مقابله با عدم اطمینان، حفظ موقعیت و ایجاد خلاقیت برای گسترش عرصه رقابتی خود استفاده نماید. این امر مستلزم آن است که سازمان با ارج نهادن به مدیریت دانش و خلاقیت، آن را به عنوان یک نیاز استراتژیک و ضروری برای پیشگامی در عرصه رقابت پذیری، در زمره برنامه های اولویت دار خود قرار دهد (صفر زاده و محمدی، ۱۳۹۱). دو پیوند بین دانش و نوآوری وجود دارد: نوآوری یک فرایند است که کارکنان به ایجاد و استفاده از دانش می

<sup>1</sup> . Wu SI

پردازندو دوم نوآوری یک ساختار ارگانیک است که در سازمان به پرورش خلاقیت می پردازد(تسای، ۲۰۱۵). مدیریت دانش سبب دسترسی به تجارب، دانش، مهارت هایی می شود که در مجموع توانایی های جدید، قدرت اجرایی عملیات بیشتر، تشویق خلاقیت و نوآوری، شیوه به کار بردن بهتر دانش موجود سازمان و استفاده بهتر از دانش در فرآیند تجارت روز به روز را در سازمان ایجاد می کند(قربانی زاده، ۱۳۹۱).

یکی از عواملی که در جوامع امروزی بسیار مهم می باشد دانش است. امروزه دانش به عنوان یک منبع اساسی تشخیص داده شده است، زیرا مبنایی برای مزیت های رقابتی بدست می دهد. دانش اجازه می دهد تا سازمان ها ماهیت و قابلیت تغییرات در محیط و همچنین تصمیمات راهبردی خود را پیش بینی کنند (زندحسامی و حقیقت طلب، ۱۳۹۳). بنابراین به منظور دستیابی و حفظ یک مزیت رقابتی، سازمان های امروزی نیازمند بکارگیری درست منابع دانش خود می باشند. بنابراین دانش؛ یکی از حیاتی ترین منابع برای رقابتی بودن سازمان است (شی و لین، ۲۰۱۲). از این رو در سال های اخیر، مدیریت دانش به عنوان یکی از جالبترین و چالش برانگیزترین موضوعات مدیریت کسب و کار بوده و دایره کاربرد آن همواره با سایر مباحث عرصه مدیریت، گسترده تر می شود (عبدالله زاده، ۱۳۸۸). از سوی دیگر برای اینکه سازمان ها را به رقابت موثر در بازارهای کاملا رقابتی توانا سازیم؛ نکته کلیدی این خواهد بود که چگونه آنها یاد بگیرند و دانایی جدید تولید کنند و به تبع آن سازمان ها چگونه این دانایی را مدیریت کنند. مدیریت دانش با ایجاد و توسعه دارایی های یک سازمان با نگرش فراتر رفتن از اهداف سازمان مرتبط است و مستلزم تمام فعالیت هایی است که با شناسایی، تشریح و ایجاد دانش مرتبط هستند(نیکو کار و حکیم، ۱۳۹۳). بنابراین سازمان های موفق، مدیریت دانش سازمانی را به مثابه نیاز ضروری و برنامه ای اولویت دار برای پیشگامی در عرصه رقابت پذیری، در کانون توجه قرار داده اند (مونتر و همکاران ، ۲۰۱۴). در نهایت می توان گفت که امروزه مدیریت دانش یک عامل حیاتی و لازم برای سازمان ها می باشد.

از سوی دیگر تحقیقات مختلفی نشان داده است که مدیریت دانش در سازمان می تواند عملکرد سازمان از جنبه مالی و غیر مالی را ارتقاء بخشد(دیکل و دی مورا(۲۰۱۶)، نواب و همکاران(۲۰۱۵)، طاهرپور و همکاران(۲۰۱۴)، فرارسی(۲۰۱۲)، وظیفه دوست و همکاران(۱۳۹۳). عملکرد مالی عبارت است از میزان یا درصدی که سازمان به اهداف مالی سهامداران در راستای افزایش ثروت آنان ناقل می آید. از چکن و همکاران(۲۰۱۵) در پژوهشی نشان دادند که مدیریت دانش منجر به بهبود عملکرد مالی و غیرمالی شرکت ها می گردد. بنابراین سازمانها می بایست در پی شناسایی عوامل زمینه ساز به منظور ایجاد مدیریت دانش برآمده اند تا از منابع دانشی خود جهت عملکرد بهره برداری کنند. با توجه به این مورد مساله اصلی از انجام این پژوهش آن است که محقق با بررسی نقش استقرار مدیریت دانش در سازمان؛ به رابطه و اثراتی که استقرار مدیریت دانش می تواند بر عملکرد مالی داشته باشد؛ پردازد. به بیان دیگر سوال اصلی این است که چه ارتباطی بین استقرار مدیریت دانش و عملکرد مالی شرکت خوراک دام و طیور مهاباد وجود دارد؟

## روش پژوهش

تحقیق حاضر از لحاظ شیوه جمع آوری داده ها، تحقیقی توصیفی-علی از شاخه مطالعات میدانی می باشد. همچنین این تحقیق توصیفی از نوع مقطعی می باشد. روش مقطعی به منظور گردآوری داده ها درباره یک یا چند صفت در یک مقطع از زمان از

طریق نمونه گیری از جامعه انجام می شود که به روش مطالعات توصیفی به بررسی توزیع ویژگی های جامعه ی مورد پژوهش و نحوه ی ارتباط بین متغیرهای تحقیق می پردازد. در واقع، مبنای این تحقیق، بر پایه توصیف وقایع و آنچه وجود دارد استوار است و به شرایط، روابط موجود، عقاید متداول، فرآیند های جاری و روندها توجه دارد. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه کارکنان شرکت خوراک دام و طیور میلاد مهاباد بود که از بین آنان ۲۴۷ نفر بر اساس جدول مورگان انتخاب و به پرسشنامه های پژوهش پاسخ دادند.

روش گردآوری داده ها در پژوهش حاضر با استفاده از روش کتابخانه ای و میدانی می باشد.

الف) روش کتابخانه ای : در این پژوهش برای جمع آوری اطلاعات مربوط به پیشینه ی تحقیق و ادبیات موضوع از کتاب ها و مقالات تخصصی، پایان نامه ها و جستجو در پایگاه های اینترنتی استفاده شده است. به عبارت دیگر در قسمتی که مربوط به نگارش تئوری و ادبیات و طرح نظری پژوهش می باشد محقق از روش کتابخانه ای بهره می جوید.

ب) روش میدانی : در بخش دیگر ، با استفاده از روش میدانی بمنظور جمع آوری اطلاعات با بررسی منابع اطلاعاتی مرتبط و بهره مندی از تئوری ها و مقالات موجود در زمینه پژوهش حاضر، به تدوین ابزار جمع آوری داده ها که برای آزمون فرضیات و سوالات پژوهش مناسب باشند، پرداخته می شود.

### پرسشنامه

- پرسشنامه استقرار مدیریت دانش: این پرسشنامه دارای ۲۴ سؤال است که براساس مقیاس پنج ارزشی لیکرت اندازه گیری شده است و دارای چهار خورده مقیاس می باشد: ۱- رهبری و مدیریت دانش؛ ۲- فرایندها؛ ۳- کارکنان ؛ ۴- فناوری می باشد.
- پرسشنامه عملکرد مالی: در این پژوهش از پرسشنامه عزیزی (۱۳۹۰) که برای سنجش عملکرد مالی ۲۱ آئتم را طراحی نموده و مورد بررسی قرار داده اند، استفاده می شود. مولفه های این پرسشنامه شامل مدیریت ارزش، کنترل ریسک و کنترل هزینه می باشند.

جدول شماره ۱: متغیرها و ابعاد پرسشنامه

متغیر	ابعاد	تعداد سوالات
استقرار مدیریت دانش	رهبری مدیریت دانش	۶
	فرایندها	۶
	کارکنان	۶
	فناوری	۶
عملکرد مالی	مدیریت ارزش	۷
	کنترل ریسک	۷
	کنترل هزینه	۷

روایی ابزار اندازه گیری توسط متخصصان تایید شد و پایایی نیز با استفاده از آلفای کرونباخ برای پرسشنامه مدیریت دانش ۰/۹۱ و برای پرسشنامه عملکرد مالی ۰/۸۹ بدست آمد.

یافته ها

برای اجرای روش‌های آماری و محاسبه آماره آزمون مناسب و استنتاج منطقی درباره فرضیه‌های پژوهش مهم‌ترین عمل قبل از هر اقدامی، انتخاب روش آماری مناسب برای پژوهش است برای این منظور آگاهی از توزیع داده‌ها از اولویت اساسی برخوردار است.

جدول ۲: آزمون کولموگروف اسمیرنوف متغیرهای پژوهش

متغیرها	سطح معنی داری	اماره آزمون
رهبری مدیریت دانش	۰/۴۳۲	۰/۶۶۱
فرایندها	۰/۵۴۱	۰/۵۱۲
کارکنان	۰/۴۱۹	۰/۴۱۲
فناوری	۰/۳۸۹	۰/۳۳۲
مدیریت ارزش	۰/۴۸۹	۰/۲۱۴
کنترل ریسک	۰/۴۷۸	۰/۴۸۵
کنترل هزینه	۰/۴۱۵	۰/۵۱۴

مطابق جدول فوق سطح معناداری آزمون کولموگروف- اسمیرنوف برای همه متغیرها بزرگ‌تر از مقدار ۰/۰۵ است. در نتیجه این متغیرهای مورد بررسی در پژوهش حاضر دارای توزیع نرمال می‌باشند و برای اثبات فرضیات تحقیق می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

جدول ۳: همبستگی بین ابعاد مدیریت دانش با عملکرد مالی

ابعاد مدیریت دانش	تعداد نمونه	همبستگی	عملکرد مالی
رهبری مدیریت دانش	۳۸۴	۰/۴۱**	سطح معنی داری ۰/۰۰۰
فرایندها	۳۸۴	۰/۲۷**	۰/۰۰۱
کارکنان	۳۸۴	۰/۳۱**	۰/۰۰۱
فناوری	۳۸۴	۰/۳۵**	۰/۰۰۱



همان طور که در جدول فوق ، نشان داده شده است، نتایج ماتریس همبستگی بین ابعاد مدیریت دانش با متغیر عملکرد مالی رابطه معنی داری وجود دارد. از بین ابعاد مدیریت دانش ، بیشترین رابطه بین رهبری مدیریت دانش با عملکرد مالی می باشد ( $r=0/31, P \leq 0/01$ ).

جدول ۴: تحلیل واریانس ۲ متغیرهای پیش بینی کننده عملکرد مالی شرکت

گام	متغیرهای پیش بین	منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	آماره F
اول	رهبری و مدیریت دانش	رگرسیون	۲۴۷/۵۸	۱	۲۴۷/۵۸	۹۱/۱۵
		باقی مانده	۴۶۷/۲۸	۳۸۳	۱/۶۲	
		مجموع	۷۴۱/۸۷	۳۸۴		
دوم	رهبری و مدیریت دانش ، فرایندها	رگرسیون	۲۹۶/۵۶	۲	۱۴۸/۲۸	۹۷/۵۴
		باقی مانده	۴۴۵/۳۰	۳۸۲	۱/۵۵	
		مجموع	۷۴۱/۸۷	۳۸۴		
سوم	رهبری و مدیریت دانش ، فرایندها ، فناوری	رگرسیون	۳۰۴/۵۲	۳	۱۰۱/۵۰	۱۰۱/۳۵
		باقی مانده	۴۳۷/۳۵	۳۸۱	۱/۵۲	
		مجموع	۷۴۱/۸۷	۳۸۴		
دوم	رهبری و مدیریت دانش ، فرایندها ، فناوری، کارکنان	رگرسیون	۲۹۶/۵۶	۴	۱۴۸/۲۸	۱۱۲/۱۵
		باقی مانده	۴۴۵/۳۰	۳۸۰	۱/۵۵	
		مجموع	۷۴۱/۸۷	۳۸۴		

\* سطح معناداری  $p < 0/05$

همان طور که در جدول فوق مشاهده می شود، آزمون تحلیل واریانس برای تعیین معناداری رگرسیون متغیرهای پیش بین بر متغیر ملاک مشخص شده است. در هر سه مرحله یا گام مقدار آماره F به دست آمده به ترتیب  $91/15$  ( $p < 0/05$ )،  $97/54$  ( $p < 0/05$ ) و  $101/35$  ( $p < 0/05$ ) و  $112/15$  ( $p < 0/05$ ) می باشند که حاکی از معناداری آماری هر مرحله است.

### بحث و نتیجه گیری

سازمان ها برای حفظ حیات خود و پیشرفت در دنیای رقابتی امروز به بهبود مستمر عملکرد توجه دارند. شرکت ایران خودرو دیزل به عنوان یکی از مجموعه های بزرگ صنعتی کشور در طول سالیان گذشته کوشیده است با بهره گیری از علم روز مدیریت جایگاه رقابتی خویش را در بازار تحکیم و بهبود بخشد، هدف اصلی شرکت مذکور حداکثرسازی ثروت صاحبان سهام است، و این هدف مستلزم بهبود و ارتقا عملکرد مالی شرکت می باشد. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تاثیر استقرار مدیریت دانش بر عملکرد مالی شرکت خوراک دام و طیور بود که نتایج نشان داد که تاثیر استقرار مدیریت دانش بر عملکرد مالی شرکت خوراک دام و طیور موثر است.

نتایج حاصل از فرضیه فوق با یافته های پژوهش های زیرهمسو و هماهنگ می باشد؛ دانشی و مونیبری (۱۳۹۲) مشخص نمودند که بین مدیریت دانش و عملکرد سازمانی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. نیکوکار و امین (۱۳۹۱) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که پیاده سازی مدیریت دانش پویا و فعال به همراه نوآوری های سازمانی برای افزایش عملکرد سازمانی و تصمیم گیری لازم و ضروری می باشد. عباسی و گلدی صدقی (۱۳۸۹) در پژوهشی ضریب کارایی عناصر مدیریت دانش بر نرخ بازده حقوق صاحبان سهام تأثیر مثبتی می گذارد. میشل ۳ و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند که عملکرد سازمانی به عنوان میانجی شاخص های مدیریت دانش و عملکرد مالی، عمل می کند. چانگ ونگ ۴ و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند ارتباط مثبتی بین فناوری تکنولوژی و عملکرد مالی وجود دارد. نتایج یافته های (هارلو ۲۰۱۵) نشان داد رابطه معناداری بین دانش ضمنی و عملکرد مالی شرکت وجود دارد. میراندا و همکاران (۲۰۱۴) در نتایج بدست آمده از تحقیق خود اذعان داشتند که اجزای قابلیت مدیریت دانش بر انواع عملکرد مالی سازمان اثر مثبت و معناداری دارد.

در تبیین و توجیه یافته های فوق باید گفت چنانچه امکان دسترسی آسان به خبرگان، متخصصین و مدیران شرکت وجود داشته باشد و مشخص شود هر فرد در سازمان دارای چه دانشی است و از آن برای کسب موفقیت های بعدی استفاده نماید. اگر شرکت به طور مستمر قابلیت های دانشی خود و کارکنانش را افزایش دهد به نتایجی دست خواهد یافت که مد نظر آن هاست. لذا مدیریت دانش و حمایت از آن شرایط مطلوبی برای شرکت ایران خودرو به وجود می آورد تا علاوه بر اینکه در محیط رقابتی حیات مستمر داشته باشد عملکرد مالی آن نیز افزایش یابد. با توجه به شرایط نامطلوب اقتصادی که در دهه اخیر بر جهان حاکم گشته است، بسیاری از سازمان ها به دنبال راهی برای کاهش هزینه ها و بهبود عملگرهای مالی خود هستند. از طریق بهبود عملگرهای مالی می توان نتیجه عملکرد سازمان را برآورد نمود و برای ادامه حیات آن برنامه ریزی کرد. در این میان مدیریت دانش و نوآوری سازمانی به عنوان عوامل اساسی در کاهش دوباره کاری ها و بهبود عملگرهای مالی می توانند مفید و موثر واقع گردند. به عبارتی در محیط پویا و پیچیده امروزی برای سازمان ها ضروری است که به طور مداوم دانش جدید را به شکل ایجاد، اعتبار بخشی و کاربرد در محصولات و خدمات خود به کار گیرد. بهره وری، کارایی (در راستای بهبود عملکرد مالی) توانایی رقابت، نوآوری و ... مفاهیمی هستند که با مقوله مدیریت دانش ارتباط تنگاتنگ دارند.

توجه به استقرار سیستم مدیریت دانش و حمایت از آن شرایطی فراهم می آورد که سازمان بتواند در محیط پیچیده رقابتی دوام بیاورد و در عرصه بازار جهانی پیشتاز باشد، که به تبع آن موجبات جذب مشتری به سوی خروجی های سازمان خود را فراهم آورده و عملکرد مالی خود را بهبود بخشد. به عبارتی چنانچه شرکت ایران خودرو دارای استراتژی دانشی و خط مشی حفاظت از دانش باشد همچنین دارای یک فرایند آموزش نظام مند برای کارکنانش باشد و زیر ساخت های فناوری اطلاعات در شرکت با استراتژی مدیریت دانش همراستا شده باشد و ... باید عنوان کرد که در بهبود عملکرد مالی و اقتصادی خود به موثر عمل کرده است.

در نهایت با توجه به نتایج حاصله پیشنهاد می گردد سیاست گذاری های شرکت خوراک طیور مهاباد برای حصول به اهداف خود باید در جهت تقویت مولفه های مدیریت دانش عملی شود. به مدیران و مسؤلین شرکت ایران پیشنهاد می گردد جهت بهبود عملکرد مالی شرکت به استقرار سیستم مدیریت دانش توجه کافی داشته باشند. پیشنهاد می گردد شرکت ایران سازوکارهایی

<sup>3</sup> . Michael

<sup>4</sup> . Chang Wen et all



برای خلق و اکتساب دانش از منابع مختلف مانند کارکنان، مشتریان، تجارب گذشته و رقبای خود ایجاد کند. در نهایت شرکت تبادل دانش و اطلاعات بین افراد و گروهها را تشویق کرده و برای کارکنان دانش محور خود پاداش مناسب در نظر بگیرد.

#### منابع

- پورخداداد س. (۱۳۹۳). بررسی نقش سیستم مدیریت کیفیت استاندارد ایزو ۲۰۰۸-۹۰۰۱ بر عملکرد سازمانی بیمارستان های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی استان لرستان. نشریه علوم پزشکی لرستان. زمستان ۹۳.
- صفرزاده، ح.، تدین، ا. و حرمحمدی، م. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر استراتژیهای مدیریت دانش بر نوآوری و عملکرد سازمانی (مطالعه موردی: مراکز آموزشی و درمانی شمال فارس). فصلنامه طلوع بهداشت (دانشکده بهداشت یزد)، دوره ۱۱، شماره ۱، صفحات ۷۶-۸۶.
- عبدالله زاده درودی، حسن (۱۳۸۸). مقایسه محتوای اطلاعاتی نسبت جریانهای نقدی ارزش افزوده نقدی، سود حسابداری و ارزش افزوده بازار به ارزش دفتری کل داراییهای شرکت در ارزیابی عملکرد شرکت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور، دانشکده علوم انسانی.
- قربانی زاده (۱۳۹۱). نقش تعدیل کننده فرآیند یادگیری در رابطه بین سرمایه فکری و عملکرد سازمانی. پژوهش های مدیریت عمومی. سال پنجم، شماره شانزدهم، صص ۱۶۱-۱۳۵.
- نیکوکار، غلامحسین؛ حکیم، امین (۱۳۹۱). الگوی هم راستایی استراتژیکی مدیریت دانش در سازمان، پژوهش های مدیریت در ایران. دوره ۱۶ شماره ۱، ۱۲۱-۱۴۸.
- Montes, C., Garcia-Cruz, J., Sousa-Ginel, E., & Valle-Cabrera, R. (2014). The influence of human resource management on knowledge sharing and innovation in Spain: the mediating role of affective commitment. *The International Journal of Human Resource Management*, 22(07), 1442-1463.
- Sargent, T., & Hannum, E. (2015). Keeping teachers happy: Job satisfaction among primary school teachers in rural Northwest China. *Comparative education review*, 49(2), 173-204.
- Sok, P., & O'Cass, A. (2011). Achieving superior innovation-based performance outcomes in SMEs through innovation resource-capability complementarity. *Industrial Marketing Management*, 40(8), 1285-1293.
- Suzana, R., & Kasim, R. (2014). The relationship of knowledge management practices, competencies and the organizational performance of government departments in Malaysia.
- Wang, S., & Noe, R. A. (2010). Knowledge sharing: A review and directions for future research. *Human Resource Management Review*, 20(2), 115-131.
- Wanga, Z., Wang, N. (2014). A comprehensive relational model of factors influencing knowledge sharing: An empirical study. *International Journal of Knowledge Management (IJKM)*, 10(1), 1-25.



هشتمین کنفرانس ملی  
مطالعات مدیریت و اقتصاد در علوم انسانی  
8<sup>th</sup> National Conference on  
Management Studies and Economics in the Humanities

- Wu SI, Liu SY (2010). The performance measurement perspectives and causal relationship for ISO-certified companies A case of opto-electronic industry. International Journal of Quality & Reliability Management 27 (1): 27-47